

Explanation of Wisdom Through Attitude toward Time and Aesthetics In Female Students Of Farhangian University of Khorramabad

Maryam Abdollahi Moghaddam*

Ph.D. in Educational Psychology, Bu Ali Sina University, Hamedan, Iran

(Received: May 16, 2019; Accepted: April 25, 2021)

Abstract

The purpose of this research is to explain wisdom through the attitude toward time and aesthetics in female students of Farhangian University of Khorramabad. For this purpose, a sample of 200 female students based on Karjesi and Morgan's table, using simple random sampling method and Webster's wisdom self-assessment scale, Worrell and Mello's Attitude toward time questionnaire, and AbdulMaleki et al.'s aesthetic sensitivity test were implemented on them. The data were analyzed by structural equation analysis using Lisrel software. All three hypotheses are confirmed, wisdom in female students has a positive significant relationship with positive Attitude toward time and aesthetics and a negative significant relationship with negative Attitude toward time. From the findings of the research, it is concluded that the ultimate goal in the university should be the development of wisdom skills. Because this can have a very important impact on the future choices of students, and wisdom can be developed through the development of aesthetic skills and the ability positive Attitude toward time.

Keywords: Aesthetics, Attitude toward time, Students, Wisdom.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

* Corresponding Author, Email: m.abdolahi65@yahoo.com

تبیین خردمندی به واسطه نگرش به زمان و زیباشناسی در دانشجویان دختر دانشگاه فرهنگیان خرم آباد

مریم عبدالهی مقدم*

دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه بوعلی‌سینا همدان، همدان، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۵)

چکیده

هدف پژوهش حاضر، تبیین خردمندی به واسطه نگرش به زمان و زیباشناسی در دانشجویان دختر دانشگاه فرهنگیان خرم‌آباد است. به این منظور، نمونه‌ای متشکل از ۲۰۰ دانشجوی دختر بر اساس جدول کرجسی و مورگان به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب و مقیاس خودارزیابی خرد و بستر، پرسشنامه نگرش به زمان میللو و وورل و آزمون حساسیت زیباشناسی عبدالملکی و همکاران روی آن‌ها اجرا شده است. داده‌ها به روش تحلیل معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار لیزرل تحلیل شد. هر سه فرضیه، خردمندی در دانشجویان دختر رابطه معنادار مثبت با نگرش به زمان مثبت و زیباشناسی و رابطه معنادار منفی با نگرش به زمان منفی دارد، تأیید می‌شود. از یافته‌های پژوهش، نتیجه‌گیری می‌شود که هدف نهایی در دانشگاه باید رشد مهارت خردمندی باشد. چرا که این امر، می‌تواند آثار بسیار مهمی بر روی انتخاب‌های بعدی دانشجویان بگذارد و از طریق رشد مهارت زیباشناسی و توانایی نگرش به زمان مثبت می‌توان خردمندی را رشد داد.

واژگان کلیدی: خردمندی، دانشجویان، زیباشناسی، نگرش به زمان.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

مقدمه

خرد^۱ سازه‌ای است که توسط تاریخچه فرهنگ غنی و تداعی‌های پیچیده توصیف می‌شود. در میان تاریخ و فرهنگ‌ها، خرد به عنوان نمونه آرمانی دانش و منش انسان مطرح بوده است. برای مثال، ایرانیان باستان در حوزه شناخت و جهان‌بینی خود، خرد را مورد توجه قرار داده و در ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی و دینی خود برای آن ارج بسیار قائل شده‌اند (اسدی، خورشیدی و گلوک^۲، ۲۰۱۹). مفهوم خردمندی در دو دهه گذشته در متون روان‌شناسی مورد توجه بسیار قرار گرفته و حجم بسیاری از پژوهش‌ها را به خود اختصاص داده است. مرور پژوهش‌های خردمندی از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۳ نشان‌دهنده افزایش پژوهش‌ها در سال‌های اخیر در این زمینه است (کارلیتز، جاروین و ارسترنبرگ^۳، ۲۰۱۰؛ گلوک، کونینگ و استرابل^۴، ۲۰۱۳). استرنبرگ (۱۹۹۸)، خردمندی را کاربرد هوش، خلاقیت و دانش به‌منظور رسیدن به مصلحت جمعی می‌داند که از ارزش‌های فرد تأثیر می‌پذیرد. در علم روان‌شناسی، خرد، به عنوان یک صفت شخصیت یا یک توانایی شناختی، یا ترکیبی از هر دو می‌تواند مفهوم‌سازی شود و آثار مثبتی برای زندگی خود و دیگران به بار آورد و به عنوان عالی‌ترین خصیصه بشری، یک منبع مهم برای زندگی خوب و مطلوب شناخته شود (برویا و آردلت^۵، ۲۰۱۸). شواهد تجربی (برای مثال وبستر^۶، ۲۰۱۳) حاکی از آن است که جوانه‌های خرد در اواخر نوجوانی و اوایل جوانی ظهور می‌یابند. یکی از شناخته‌شده‌ترین الگوهای نظری در حوزه خرد، مدل سه‌بعدی است. این مدل را آردلت (۲۰۰۳، ۲۰۱۱) بر اساس پژوهش کلیتون و بیرن^۷ (۱۹۸۰) تدوین کرده است (آردلت، اچنهام و او^۸، ۲۰۱۴). خرد در این مدل یکی از ویژگی‌های

1. Wisdom
2. Asadi, Khorshidi & Gluck
3. Karelit, Jarvin & Sternberg
4. Gluck, Konig & Straber
5. Bruya & Ardelt
6. Webster
7. Clayton & Birren
8. Ardelt, Achenbam & Oh

شخصیت تعریف می‌شود که در آن سه بعد شناختی^۱، تأملی^۲ و عاطفی^۳ با یکدیگر یکپارچه شده است. مؤلفه‌ی شناختی به تمایل مداوم فرد برای درک وضعیت‌های انسانی مربوط می‌شود. مؤلفه‌ی تأملی، به توانایی خودارزیابی و درون‌نگری اشاره دارد. مؤلفه‌ی عاطفی، در قالب عشق دلسوزانه، توجه و مهربانی تعریف می‌شود. یکی از ویژگی‌های شخصیتی خردمندان در پژوهشی که کردنوقایی و دلفان‌بیرانوند (۱۳۹۵) انجام دادند، دوراندیش‌بودن و داشتن دید وسیع به گذشته و آینده بوده است. افراد خردمند سعی می‌کنند تجارب گذشته خود را مرور کنند و آن‌ها را با نگاه جدیدی بازبینی کنند که به طور معمول در جریان آن به درس‌ها و بینش‌های تازه‌ای دست می‌یابند. براساس دیدگاه وبستر (۲۰۰۳) خرد و بازبینی خاطرات، رابطه‌ی متقابل دارند. هر یک، دیگری را تسهیل می‌کند. مرور زندگی یکی از کارکردهای خرد است. بازبینی زندگی گذشته، حال و آینده، کارکردهای روان‌شناختی ارزشمندی به همراه دارد، از جمله شکل‌دهی به هویت و نگهداری آن، درک خود، حل مسئله و مقابله سازنده با مشکلات (کردنوقایی، ۱۳۹۶). خردمندی قادر است گذشته، حال و آینده را با هم یکپارچه کند (استودینگر، ۲۰۱۶). از این رو، خردمندی با نگرش به زمان (گذشته، حال و آینده) در ارتباط قرار می‌گیرد. زمان، حقیقتی است که با وجود انسان پیوند یافته است. زمان در سایه تغییرات تدریجی و حرکت به وجود می‌آید. نحوه‌ی نگرش افراد نسبت به زمان و نگرش‌هایی که با اطرافیان در میان می‌گذارد، تأثیر نیرومندی بر همه‌ی زندگی انسان دارد. نگرش به زمان^۴، به عنوان سازه‌ای شناختی-انگیزشی، یعنی اینکه افراد چه احساس و ارزیابی نسبت به گذشته، حال و آینده دارند. نگرش‌های زمانی چندین دهه است که به عنوان یک ساختار مهم بالقوه در مطالعه شناخته شده‌اند. هر کسی نوعی از نگرش به زمان را دارد که این نگرش یا مثبت است یا منفی (رشید،

-
1. Cognitive
 2. Reflectiion
 3. Affective
 4. Staudinger
 5. Time attitude

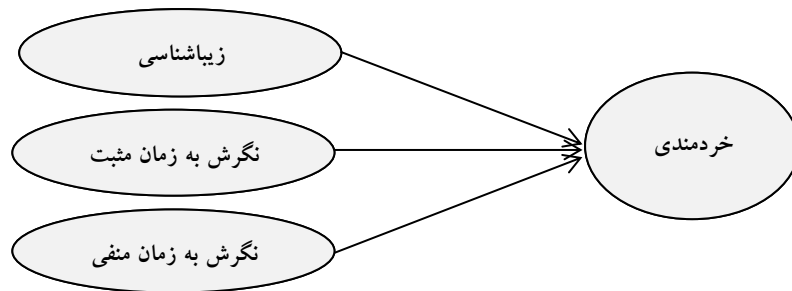
علیزاده و مرادی، ۱۳۹۴). علاقه روان‌شناسان به شناخت ادراک افراد از زمان را می‌توان در کارهای لوین^۱ جست‌وجو کرد. لوین (۱۹۴۹، ۱۹۳۹) اظهار می‌کند که نگرش به زمان، عنصر مهمی در رفتار انسان است و روشی که افراد درباره ابعاد زمانی فکر می‌کنند بر رفتارشان تأثیرگذار است. لوین استدلال می‌کند که اعمال، هیجان‌ات و روحیه افراد اغلب وابسته به دیدگاه زمانی آنان است. بنابراین ادراک زمان نوعی فرایند تطابقی است که موجب سهولت پیش‌بینی رویدادها و نیز سازماندهی و طراحی رفتارهای آینده می‌شود (لاگوته^۲ و همکاران، ۲۰۱۳). می‌توان گفت که نگرش به زمان حال، ارتباط تنگاتنگی با تجربه زیبایی‌شناسی دارد و به طور کلی نگرش به زمان مثبت با تجربه زیبایی‌شناسی در ارتباط است. تجربه زیبایی‌شناسی^۳ نوعی لذت را به همراه دارد. البته تجربه لذت تنها با تماشای یک اثر هنری پدید نمی‌آید، بلکه باید درک زیباشناسانه نیز وجود داشته باشد. در واقع، هرچه درک یک اثر هنری بهتر باشد، احتمال ایجاد رضایت و احساس خوشایند زیباشناختی، بیشتر است (لدر^۴ و همکاران، ۲۰۰۴). در لغت‌نامه ورد رفرنس^۵ (۲۰۰۶)، زیبایی‌شناسی «درک زیبایی یا چیزهای زیبا» و «مطلوبیت چیزی از نظر زیبایی» تعریف شده است. در لغت‌نامه مریام – وبستر^۶، زیبایی‌شناسی به دوگونه تعریف می‌شود: ۱. آنچه مرتبط با زیبایی‌شناسی یا زیبایی است، ۲. توجه و علاقه به زیبایی (آنچه خوشایند حواس ماست). پاسخ‌های زیبایی‌شناسی تفسیری گسترده دارد و شامل آن دسته پاسخ‌هایی است که در آن‌ها کیفیت و معانی اشیا و مقاصد هنری، مرکز توجه عمده هستند (لدر و همکاران، ۲۰۰۴). حاجیان (۱۳۹۱) از ارتباط بین هنر و خرد این‌گونه می‌گوید: هنر بر آن است که به انسان تعالی ببخشد و از مرزهای روزمرگی فراتر ببرد. همچنین، وظیفه هنر، اعتلای روح و معنویت بشر و سرانجام رهاکردن او از تعلق به امور دنیوی است. چیزی که در ویژگی خردمندان با اصطلاح «از خود فراروی»^۷ به‌طور آشکار دیده می‌شود. یعنی عبور از خود و پیوند با

-
1. Levin
 2. Laguette
 3. Aesthetic
 4. Leder
 5. Word reference
 6. Merriam-Webster Dictionary
 7. Self-transcendence

یک کلّ بزرگ‌تر. از گذشته تاکنون، پدیده زیباشناسی به عنوان یک موضوع جذاب و چندبعدی مورد توجه بسیاری از فلاسفه و هنرمندان بوده است و نظریه‌های متعددی در این حوزه مطرح شده است. داشتن تجربه زیبایی‌شناسی به سبب تأثیرپذیری عمیق حاصل از ادراک حسی رخ می‌دهد و به معنای احساس و ادراک است. پس زیباشناسی موجب افزایش توانایی شناختی ما می‌شود و به عنوان هوش زیباشناسی مطرح می‌شود و از راه ادراک حسی برای اندیشه و کنکاش برانگیخته می‌شویم (ایزنر^۱، ۲۰۰۲)، و از این رو، می‌توان گفت که با خردمندی - که افزایش توانایی شناختی یکی از ویژگی‌های اصلی آن است و باهوش‌بودن یکی از متغیرهای آن است - در ارتباط قرار می‌گیرد.

در ایران و در خارج از کشور، تاکنون پژوهشی در این حوزه انجام نشده است. ولی بنا بر اهمیت مفهوم خردمندی در سال‌های اخیر و توجه به آن در حوزه‌های مختلف زندگی از جمله نگرش به زمان و زیباشناسی، اهمیت انجام این پژوهش بیش از پیش مشخص می‌شود. در پژوهش زیمباردو و بوید^۲ (۱۹۹۹)، گرایش به زمان حال، گذشته و آینده مثبت با سازه‌های روانی مثبت - که خردمندی هم می‌توان بخشی از این سازه‌ها قرار داد - ارتباط معنادار دارند و افرادی که دارای نگرش به زمان مثبت هستند دارای سلامت بیشتر و ارزشمندی خود بیشتری می‌باشند. همچنین، در تعریف استرنبرگ از خردمندی، از هوش و خلاقیت استفاده کردیم. در زیباشناسی هم در پژوهش‌های مختلف (از جمله ماسکووسکی^۳ و همکاران، ۲۰۱۴؛ کوستانتینو^۴، ۲۰۱۵)، رابطه آن با هوش و خلاقیت، مکرر استفاده شده است. به این معنا که افرادی که از هوش زیباشناسی بالاتری برخوردارند، دارای هوش بالاتر و خلاقیت بیشتری هستند. بنابراین، از مقدمه می‌توان استنباط کرد که انتظار می‌رود افزایش خردمندی با نگرش به زمان مثبت و زیباشناسی همراه باشد و کاهش خردمندی با نگرش به زمان منفی در ارتباط باشد. بر اساس آن چه گفته شد، مدل فرضی پژوهشی اولیه این مطالعه در شکل ۱ ارائه شده است:

-
1. Eisner
 2. Zimbardo & Boyd
 3. Myszkowski
 4. Costantino



شکل ۱. مدل فرضی پژوهشی اولیه

- بر این اساس، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر تدوین شده است.
۱. خردمندی در دانشجویان دختر رابطه‌ی معنادار مثبت با نگرش به زمان (گذشته، حال، آینده) مثبت دارد.
 ۲. خردمندی در دانشجویان دختر رابطه‌ی معنادار منفی با نگرش به زمان (گذشته، حال، آینده) منفی دارد.
 ۳. خردمندی در دانشجویان دختر رابطه‌ی معنادار مثبت با زیباشناسی دارد.

روش‌شناسی پژوهش

هدف این پژوهش بررسی خرد در دانشجویان دختر دانشگاه فرهنگیان به واسطه نگرش به زمان و زیباشناسی بوده است. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دختر دانشگاه فرهنگیان خرم‌آباد در سال ۹۸-۹۷ بوده است که بر اساس آمار دانشگاه فرهنگیان، ۴۷۳ نفر بودند. بر اساس جدول کرجسی و مورگان، ۲۰۰ نفر به عنوان نمونه در نظر گرفته شد. نمونه‌گیری به روش تصادفی ساده، به گونه‌ای انجام شد که ابتدا فهرستی از کلاس‌ها از بخش آموزش دانشگاه تهیه شد و سپس، از بین ۱۹ کلاس، ۱۰ کلاس انتخاب شد و از هر کلاس (به گونه‌ای که تمام رشته‌ها پوشش داده شود) نمونه مورد نظر انتخاب شده و در نهایت، ۲۰۰ پرسشنامه گردآوری شد. برای اجرای پژوهش، در ابتدا، به آزمودنی‌ها اطمینان داده شد که پاسخ به این پرسشنامه‌ها و نتایج آن‌ها صرفاً جنبه پژوهشی دارد و

مربوط به ارزیابی و یا گزینش آنها در دوره خاصی نمی‌شود و برای اطمینان بخشی بیشتر و جلب همکاری آنها به پاسخگویی صحیح و دقیق، اعلام شد که نوشتن مشخصات شخصی ضرورت ندارد. سپس، برای تکمیل پرسشنامه‌ها توضیحات لازم داده شد و از ارائه هرگونه توضیحی که احتمال می‌رفت در پاسخ سوگیری ایجاد کند، خودداری شد. پس از اجرا، داده‌ها ابتدا در نرم‌افزار SPSS21 وارد شدند و سپس، توسط نرم‌افزار لیزرل تحلیل شد. جهت گردآوری اطلاعات از ابزار زیر استفاده شد:

مقیاس خودارزیابی خرد (SAWS)^۱: این مقیاس توسط جفری وبستر (۲۰۰۳، ۲۰۰۷) ارائه شده است. در این مقیاس، خرد، ترکیبی از ابعاد تجربه، تنظیم هیجانی، مرور خاطرات و بازیابی، گشودگی و شوخ طبعی تعریف و سنجش می‌شود. این مقیاس شامل ۴۰ آیتم است و هر یک از ابعاد خرد، هشت آیتم را به خود اختصاص داده‌اند. هر آیتم با مقیاس لیکرت ۶ درجه‌ای از «کاملاً مخالفم» تا «کاملاً موافقم» نمره‌گذاری می‌شود. در پژوهشی در ایران (کرد نوقابی و همکاران، ۱۳۹۵) آلفای کرونباخ برای نمره کل ۰/۸۹ و مقیاس دارای روایی سازه مناسب گزارش شده است.

پرسشنامه نگرش به زمان وورل و میللو^۲ (۲۰۰۹): و در ایران توسط رشید، حسنونند و یعقوبی (۱۳۹۶) ترجمه شده است. پایایی این آزمون در نمونه اجرا شده در آمریکا بین ۰/۷ تا ۰/۸ بود. این آزمون چهار بخش دارد که با توجه به ماهیت سه بخش نخست و هدف پژوهش، در این بررسی تنها از بخش چهارم آن که مهم‌ترین بخش آن نیز هست، سود برده شده است. بخش چهارم پرسشنامه، شامل ۳۰ گویه برای ارزیابی نگرش افراد نسبت به زمان است. پاسخ‌ها نیز در قالب طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت و از کاملاً ناموافق تا کاملاً موافق ساخته شده‌اند. پایایی این پرسشنامه در نمونه ایرانی بر اساس یافته‌های این پژوهش، به روش ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰/۷۷ بوده است. روایی عاملی ابزار هم‌نشان می‌دهد که فرم فارسی ابزار همان شش بعد زمان مورد نظر سازندگان اولیه آزمون را می‌سنجد و از این رو، فرم فارسی از روایی عاملی برخوردار است (رشید و همکاران، ۱۳۹۶).

1. Self- Assessed Wisdom Scale

2. Worrell & Mello time attitude

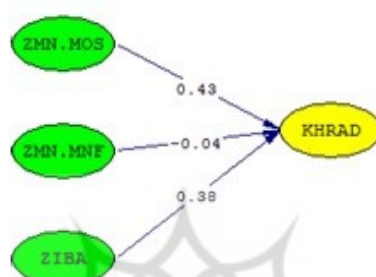
آزمون حساسیت زیباشناسی عبدالملکی، یارمحمدی و رشید (۱۳۹۲): این آزمون در ایران ساخته و هنجاریابی شده است، شامل ۲۶ سؤال و بر اساس یک مقیاس پنج‌درجه‌ای تهیه شده است که از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم را شامل می‌شود. نتایج تحلیل عاملی وجود سه عامل تأثیرپذیری حسی - عاطفی، حساسیت به زیبایی‌های طبیعی و حساسیت به زیبایی‌های هنری را نشان داد. ضریب آلفای کرونباخ برای کل آزمون، ۰/۸۷ و برای خرده مقیاس‌های تأثیرپذیری حسی - عاطفی ۰/۹۱، حساسیت به زیبایی‌های طبیعی ۰/۷۷، حساسیت به زیبایی‌های هنری ۰/۸۰ به دست آمد. همچنین، روایی آزمون به روش روایی محتوایی و روایی سازه تأیید شد و پایایی هم بالاتر از ۰/۷۰ گزارش شد (عبدالملکی و همکاران، ۱۳۹۲).

یافته‌های پژوهش

در محاسبات آماری باید ویژگی‌های کلی با استفاده از میانگین و انحراف استاندارد محاسبه شود. بر این اساس، میانگین متغیرهای مورد پژوهش، یعنی خرد، نگرش به زمان مثبت، نگرش به زمان منفی و زیباشناسی به ترتیب، برابر با ۱۳۵/۱۵، ۵۰/۲۳، ۳۹/۵۶ و ۷۸/۵۹ است. همچنین، میزان انحراف معیار برای این متغیرها به ترتیب، برابر با ۲۲/۶۶، ۹/۱۹، ۱۱/۳۷ و ۱۷/۴۰ بود. پیش‌فرض نرمال بودن از مهم‌ترین پیش‌فرض‌های انجام معادلات ساختاری است که با استفاده از آزمون کلموگروف - اسمیرنوف^۱ بررسی می‌شود. استفاده از این آزمون برای بررسی نرمال بودن متغیرهای پژوهش نشان داد که داده‌های متغیر خرد با مقدار آماره توزیع (۰/۸۱) در سطح معناداری (۰/۵۰)، نگرش به زمان مثبت با مقدار آماره توزیع (۱/۰۵) در سطح معناداری (۰/۲۲)، نگرش به زمان منفی با مقدار آماره توزیع (۰/۸۸) در سطح معناداری (۰/۴۱) و زیباشناسی با مقدار آماره توزیع (۰/۸۴) در سطح معناداری (۰/۴۷) نرمال هستند.

در ادامه، با استفاده از آزمون تحلیل معادلات ساختاری به بررسی فرضیه‌های پژوهش پرداخته شده است. در این راستا، تلاش شده تا با استفاده از سودمندی الگوسازی ساختاری، ارتباط متغیرها با یکدیگر بررسی شود. ویژگی بسیار ارزشمند الگوی معادلات ساختاری، تحلیل و پردازش هم‌زمان

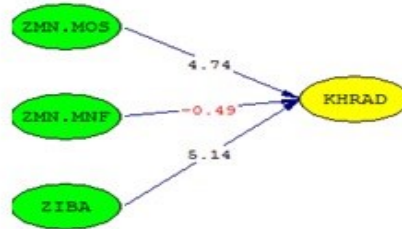
روابط میان متغیرهای موجود در مدل پژوهش است. الگوسازی معادلات ساختاری به پژوهشگر اجازه می‌دهد به طور همزمان روابط علی متغیرهای نهان و مشاهده‌شده را تحلیل کند (هومن، ۱۳۸۷). بر همین اساس، رابطه متغیر ملاک (خرد) و متغیرهای پیش‌بین (نگرش به زمان مثبت، نگرش به زمان منفی و زیباشناسی) بررسی شد.



Chi-Square=7743.80, df=4443, P-value=0.00000, RMSEA=0.060

شکل ۲. آزمون مدل در حالت ضرایب استاندارد (مدل ساختاری تأثیر نگرش به زمان و زیباشناسی بر خرد)

همان‌طور که در شکل ۲ دیده می‌شود، رابطه‌ای مثبت میان نگرش به زمان مثبت با خرد به میزان ۰٫۴۳ وجود دارد. بنابراین، فرضیه اول تأیید می‌شود و رابطه مثبت بین زیباشناسی با خرد به میزان ۰٫۳۸ وجود دارد که فرضیه سوم تأیید می‌شود. در صورتی که رابطه دو متغیر نگرش به زمان منفی با خرد در حدی بسیار پایین و برابر با ۰٫۰۴ است که بر این اساس، فرضیه دوم هم تأیید می‌شود. این بدان معنا است که افرادی که دارای نگرش مثبت به زمان گذشته، حال و آینده هستند و زیبایی‌های جهان پیرامون را بهتر درک می‌کنند، با احتمال بیشتری از سطح بالاتری از خرد برخوردارند. به منظور بررسی معناداری این ضرایب، در ادامه به تفسیر مقادیر t به دست آمده پرداخته شده است.



Chi-Square=7743.80, df=4443, P-value=0.00000, RMSEA=0.060

شکل ۳. آزمون مدل در حالت ضرایب معناداری (مدل ساختاری تأثیر نگرش به زمان و زیباشناسی بر خرد)

بر اساس شکل ۳، با توجه به مقادیر t مشخص است که اثرات نگرش به زمان مثبت و زیباشناسی بر خرد تأیید شد، در حالی که آثار نگرش به زمان منفی تأیید نشد. زیرا در تحلیل معادلات ساختاری، زمانی اثر یک متغیر بر دیگری تأیید می‌گردد که مقدار t محاسبه شده بالاتر از ۱/۹۶ باشد. بر این اساس، مقدار t به دست آمده برای تأثیر نگرش به زمان مثبت بر خرد برابر با ۴/۷۴، تأثیر زیباشناسی بر خرد برابر با ۵/۱۴ و تأثیر نگرش به زمان منفی بر خرد برابر با -۰/۴۹ بود.

جدول ۱. بار عاملی و ضریب معناداری هر یک از سؤال‌ها (تا سؤال ۱۰)

T value	بار عاملی	سؤالات	T value	بار عاملی	سؤالات	T value	بار عاملی	سؤالات
۱۰/۰۷	۰/۹۰	سؤال ۱ زیباشناسی	۹/۴۲	۰/۶۶	سؤال ۱ نگرش مثبت	۹/۷۶	۰/۶۱	سؤال ۱ خرد
۱۰/۰۴	۰/۸۸	سؤال ۲ زیباشناسی	۹/۴۱	۰/۵۹	سؤال ۲ نگرش منفی	۹/۹۵	۰/۷۴	سؤال ۲ خرد
۹/۸۱	۰/۷۵	سؤال ۳ زیباشناسی	۱۰/۰۶	۰/۹۲	سؤال ۳ نگرش مثبت	۹/۹۹	۰/۷۷	سؤال ۳ خرد
۹/۸۹	۰/۷۹	سؤال ۴ زیباشناسی	۶/۶۴	۰/۶۶	سؤال ۴ نگرش منفی	۱۰/۱۶	۰/۹۵	سؤال ۴ خرد
۹/۸۷	۰/۷۸	سؤال ۵ زیباشناسی	۹/۱۷	۰/۶۰	سؤال ۵ نگرش مثبت	۹/۹۵	۰/۷۴	سؤال ۵ خرد
۹/۵۲	۰/۶۳	سؤال ۶ زیباشناسی	۹/۷۳	۰/۷۰	سؤال ۶ نگرش منفی	۹/۸۳	۰/۶۵	سؤال ۶ خرد
۹/۸۴	۰/۷۷	سؤال ۷ زیباشناسی	۹/۵۳	۰/۷۰	سؤال ۷ نگرش مثبت	۱۰/۱۰	۰/۸۷	سؤال ۷ خرد
۹/۵۸	۰/۶۶	سؤال ۸ زیباشناسی	۶/۶۳	۰/۶۶	سؤال ۸ نگرش منفی	۹/۹۳	۰/۷۲	سؤال ۸ خرد
۹/۸۵	۰/۷۷	سؤال ۹ زیباشناسی	۹/۸۴	۰/۸۱	سؤال ۹ نگرش مثبت	۹/۹۹	۰/۷۷	سؤال ۹ خرد
۹/۹۰	۰/۸۰	سؤال ۱۰ زیباشناسی	۹/۹۷	۰/۸۳	سؤال ۱۰ نگرش منفی	۱۰/۰۶	۰/۸۳	سؤال ۱۰ خرد

در جدول ۱، به علت طولانی بودن تعداد هر یک از پرسشنامه‌ها، بار عاملی و ضریب معناداری ۱۰ سؤال اول نشان داده می‌شود.

جدول ۲. شاخص‌های برازش مدل

وضعیت برازش	مقدار شاخص	شاخص برازش مدل
مطلوب است	۰٫۰۶	ریشه میانگین مجذورات تقریب ^۱
مطلوب است	۰٫۹۳	شاخص برازش استاندارد ^۲
مطلوب است	۰٫۹۳	شاخص برازش نرمال نشده ^۳
مطلوب است	۰٫۹۳	شاخص برازش تطبیقی ^۴
مطلوب است	۰٫۹۳	شاخص برازش این کری متال ^۵
مطلوب است	۰٫۹۲	شاخص برازندگی نسبی ^۶
مطلوب است	۰٫۹۱	شاخص نیکویی برازش ^۷
مطلوب است	۱٫۷۴	شاخص نسبت کای اسکوئر به درجه آزادی ^۸

یک مؤلفه مهم برای ارزیابی مدل ساختاری، تحلیل برازش داده‌ها است که نشان می‌دهد آیا مدل به طور دقیق معرف داده‌های مشاهده شده هست یا خیر. به طور معمول، برای رسیدن به این هدف از شاخص‌های نیکویی برازش^۹ استفاده می‌شود. شاخص ریشه میانگین مربعات خطاهای تخمین یکی از شاخص‌های اساسی نیکویی برازش در مدل‌یابی معادلات ساختاری است و بر اساس دیدگاه مک‌کالوم (۱۹۹۶) اگر مقدار این شاخص کمتر از ۰٫۱ باشد، برازندگی مدل تأیید می‌شود (هومن، ۱۳۸۷). در پژوهش حاضر، چون مقدار این شاخص برابر با ۰٫۰۶ است، برازش مدل تأیید شد.

1. Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)
2. Normalized Fitness Index (NFI)
3. Non Normalized Fitness Index (NNFI)
4. Comparative Fitness Index (CFI)
5. Incremental Fitness Index (IFI)
6. Relative Fitness Index (RFI)
7. Goodness of Fit index (GFI)
8. CMIN/df
- 9 Goodness of Fit Index

همچنین، اگر نتیجه تقسیم مقدار chi-square بر میزان df کمتر از ۳ باشد، برازش مدل مناسب است و چون میزان این شاخص ۱/۷۴ است، برازش مدل پشتیبانی می‌شود. در نهایت، هرگاه میزان شاخص برازش استاندارد، شاخص برازش نرمال نشده، شاخص برازش تطبیقی، شاخص برازش این کری منتال، شاخص برازندگی نسبی، شاخص نیکویی برازش و شاخص نسبت کای اسکوتر به درجه آزادی بالاتر یا مساوی ۰/۹ محاسبه شود، برازندگی مدل تأیید می‌شود؛ که بر اساس جدول ۳، مقدار این شاخص‌ها بالاتر ۰/۹ است. بدین ترتیب، بر اساس مجموع این ملاک‌ها، برازش مناسب مدل مورد سنجش تأیید شد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر، تبیین خردمندی به واسطه نگرش به زمان و زیباشناسی در دانشجویان دختر دانشگاه فرهنگیان بوده است. فرضیه‌های اول و دوم پژوهش، مبنی بر خردمندی در دانشجویان دختر رابطه معنادار مثبت با نگرش به زمان مثبت و رابطه معنادار منفی با نگرش به زمان منفی دارد، تأیید شد. به این معنا که هر چه نگرش به زمان دانشجویان، مثبت بوده است، آن‌ها خردمند بوده‌اند. به عبارت دیگر، نگرش به زمان به عنوان سازه‌ای انگیزشی - شناختی، می‌تواند نشان‌دهنده افزایش خردمندی در دانشجویان باشد و این هر دو به سازگاری آن‌ها کمک می‌کند. این یافته با نتایج کردنوقایی (۱۳۹۶)، استودینگر (۲۰۱۶)، و زیمباردو و بوید (۱۹۹۹) همخوان است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که مرور کردن زندگی که یکی از کارکردهای خردمندی است هنگامی که مثبت باشد در تعامل با نگرش به زمان مثبت دانشجویان قرار می‌گیرد و هنگامی که منفی باشد در تعامل با نگرش به زمان منفی قرار می‌گیرد. خرد یک فرایند است که افراد با تلاش در یکی از بافت‌های زندگی خود به آن دست می‌یابند و می‌توانند نگاه مثبت و سالمی به گذشته خود داشته باشند، زمان حال را دریابند و به آینده خود با نگاه خوشبینانه‌تر، سالم‌تر و رشدگرایانه‌تری پردازند. از این رو، خرد و بازبینی خاطرات رابطه متقابل دارند. مرور زندگی در قالب سازنده، خمیرمایه لازم را برای رشد خرد فراهم می‌کند که خود باعث می‌شود مروره‌های بعدی با تجربه و دانش بیشتری انجام شود. در ارتباط با دانشجویان این پژوهش که در رشته‌های دبیری در دانشگاه فرهنگیان پذیرفته و پس از

گزینش انتخاب می‌شوند، وضع اندکی متفاوت است و می‌توان گفت که - به ویژه در دخترها در اکثر مواقع - نگاه‌شان به زمان حال و آینده، خوشبینانه‌تر و سالم‌تر از دانشجویان مشغول به تحصیل در دانشگاه‌های دیگر است که احتمالاً هیچ گونه امیدی به آینده و نگاه مثبتی به آن ندارند و می‌توان گفت که نگرش به زمان منفی در آنها وجود دارد. چرا که به نظر می‌رسد دانشجویان دانشگاه فرهنگیان به دلیل داشتن شغل در آینده و هم نداشتن چالش ارتباط با جنس مخالف در دانشگاه - به علت تک‌جنسیتی بودن فضای دانشگاه‌های فرهنگیان و متمایز بودن دانشجویان پسر و دختر از یکدیگر - دغدغه زیادی درباره زمان حال و آینده نخواهند داشت که این خود، تأییدی بر فرضیه‌های اول و دوم است. فرضیه سوم پژوهش، مبنی بر خردمندی در دانشجویان دختر رابطه معنادار مثبت با زیباشناسی دارد، هم تأیید شد. این یافته با نتایج پژوهش‌های ماسکووسکی و همکاران (۲۰۱۴) و کوستانتینو (۲۰۱۵) هماهنگ است. زیباشناسی در معنای احساس و ادراک یک اثر هنری برگرفته از طبیعت هم توانایی‌های شناختی را در بر می‌گیرد و هم توانایی‌های احساسی. گفته شد که یکی از ابعاد اصلی خرد در مدل سه‌بعدی خرد آردلت (۲۰۰۳)، بعد شناختی است. بعد شناختی شامل برخورداری از دانشی است درباره جنبه‌های مثبت و منفی طبیعت انسان و پذیرش آن‌ها و همچنین، توانایی درک دنیا و تمایل برای دانستن حقیقت است. همچنین، فهم معنای اصلی و عمیق پدیده‌ها و رویدادها به‌ویژه در یک نگاه درون‌فردی و بین‌فردی. علاوه بر دانش، هوش نیز از جمله متغیرهای شناختی است که با خرد مرتبط است. هر چند که هر باهوشی خردمند نیست، اما هر خردمندی باهوش است. ارتباط این مطلب را با پدیده زیباشناسی می‌توان در نام‌گذاری این پدیده به نام هوش زیباشناسی دانست، به خصوص هوش طبیعت‌گرایانه و موسیقایی در نظریه هوش گاردنر. در دانشجویانی که قرار است آموزگار و یا دبیر شوند به‌علت اینکه علاقه به این شغل نیازمند برخورداری از تمایلات اجتماعی و ارتباط با پدیده‌های زیبایی است، زیباشناسی بیشتری قابل مشاهده است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که سازه خردمندی علاوه بر نگرش به زمان و زیباشناسی با مؤلفه‌های دیگر شناختی و عاطفی بین دانشجویان بررسی شود تا ابعاد مختلف خردمندی و عوامل تأثیرگذار بر روی آن آشکار شوند. بر این اساس، هدف نهایی در دانشگاه باید رشد مهارت خردمندی باشد.

چرا که این مهم می‌تواند تأثیرات بسیار مهمی بر روی انتخاب‌های بعدی دانشجویان بگذارد. همچنین، پیشنهاد می‌شود در دانشگاه، کلاس‌ها و یا کارگاه‌هایی برای رشد توانایی هنری و موسیقایی دانشجویان برگزار کرد تا هوش زیباشناسی آن‌ها تقویت شود. علاوه بر این، مشاوران در دانشگاه باید روی نگرش به زمان گذشته، حال و آینده دانشجویان کار کنند تا از جنبه منفی به جنبه مثبت تغییر یابد و در نتیجه با تغییر این دو، زیباشناسی و نگرش به زمان، خردمندی آن‌ها افزایش یابد. یکی از محدودیت‌های این پژوهش، اجرای آن بر روی دانشجویان دختر است که در نتیجه تعمیم آن به دانشجویان پسر را دارای مشکل می‌کند.



منابع

- حاجیان، فردوس (۱۳۹۱). هنر و خرد. پژوهش دینی. ۳(۲۴)، ۱۴۶-۱۲۹.
- رشید، خسرو، حسنونند، فضل اله، و یعقوبی، ابوالقاسم (۱۳۹۶). ساخت و اعتباریابی آزمون هوش زیباشناسی. روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، ۸(۳۰)، ۸۸-۶۹.
- رشید، خسرو، علیزاده، گلاویژ، و مرادی، آزاده (۱۳۹۴). بررسی رابطه شادی و بهزیستی روان‌شناختی با نگرش به زمان در دانشجویان دانشگاه بوعلی سینا همدان. روان‌شناسی بالینی و شخصیت (دانشور رفتار)، ۱۵(۲)، ۱۷۹-۱۸۸.
- عبدالملکی، توران، یارمحمدی، مسیب، و رشید، خسرو (۱۳۹۲). ساخت و هنجاریابی آزمون حساسیت زیباشناسی و رابطه آن با سلامت روانی دانش‌آموزان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه بوعلی سینا همدان.
- کرد نوقابی، رسول (۱۳۹۶). روان‌شناسی خرد. تهران: ارجمند.
- کرد نوقابی، رسول، جهان، فائزه، رشید، خسرو، و رضایی، اکبر (۱۳۹۵). سنجش خرد در ایران: معرفی سه ابزار. اندازه‌گیری تربیتی، ۶(۲۲)، ۱۳۵-۱۲۲.
- هومن، حیدرعلی (۱۳۸۷). مدل‌یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم‌افزار لیزرل. تهران: سمت.
- Asadi, S., Khorshidi, R., & Gluck, J. (2019). Iranian childrens knowledge about wisdom. *Cognitive Development*, 52. 100814.
- Ardelt, M., Achenbam, W. A., & Oh, H. (2014). The paradoxical nature of personal wisdom and its relation to human development in the reflective, cognitive, and affective domains. In: M. Ferrari & N. Weststrate (Eds.), *The Scientific Study of Personal Wisdom*, New York: Springer.
- Ardlet, M. (2011). Wisdom, age, and well-being (chapter 18) in *Handbook of the psychology of aging* (Seventh Edition). PP. 279-291. Academic Press.
- Bruya, B., & Ardelt, M. (2018). Wisdom can be taught: a proof of concept study for fostering wisdom in the classroom. *Learning and Instruction*, 58, 106-114.
- Costantino, T. E. (2015). Aesthetic education. *International encyclopedia of the social & behavioral sciences* (second edition). 229-235.
- Eisner, E. W. (2002). *The arts and the creation of mind*. New Haven, CT. Yale University Press.
- Gluck, J., Konig, S., & Straber, I. (2013). How to measure wisdom: Content, reliability, and validity of five measure. *Personality Science and Individual Differences*, 4(405), 2-3.

- Karelitz, T., Jarvin, L., & Sternberg, R. (2010). The meaning of wisdom and its development throughout life. In W. Overton & R. Lerner (Eds.), *The handbook of life-span development* (Vol. 1). Hoboken, NJ: Wiley.
- Laguet, V., Apostolidis, T., Dany, L., Bellon, N., Grimaud, J. C., & Lagouanelle-Simeoni, M. C. (2013). Quality of life and time perspective in inflammatory bowel disease patients. *Quality of Life Research*, 22(10), 2721-2736.
- Myszkowski, N., Storme, M., Zenasni, F., & Lubart, T. (2014). Is visual aesthetic sensitivity independent from intelligence, personality and creativity? *Personality and Individual Differences*, 56, 16-20.
- Sternberg, R. (1998). A Balance theory of wisdom. *Review of General Psychology*, 2(4), 347-365.
- Leder, H., Belke, B., Oeberst, A., & Augustin, D. (2004). A model of aesthetic appreciation and aesthetic judgments. *British Journal of Psychology*, 95, 489-508.
- Staudinger, U. M. (2016). *Wisdom*. New York: Columbia University.
- Worrell, F. C., & Mello, Z. (2009). Convergent and discriminant validity of time attitude scores on the adolescent time perspective inventory, *Diskurs Kindheits-und Jugendforschung Heft 2*, 185-196.
- Webster, J. D. (2013). Identity, wisdom and critical life events in younger adulthood. J.D. Sinnott (ed), *Positive Psychology*, 61, 61-77.
- Zimbardo, P. G., & Boyd, J. N. (1999). Putting time in perspective: A valid, reliable individual-differences metric. *Personality and Social Psychology*, 77, 1271-1288.

